

بیانیه مشترک در خصوص نقض سیستماتیک حقوق زنان در افغانستان تحت حاکمیت طالبان

۱۰ دسامبر ۲۰۲۴

ما با همبستگی کامل در کنار زنان و دختران افغانستان ایستاده‌ایم — زنانی و دخترانی که از زمان بازگشت طالبان به قدرت در ماه اسد ۱۴۰۱ با نقض هدفمند و گسترده حقوق اساسی خود مواجه شده‌اند. به عنوان سازمان‌های فمینیستی متعهد به برابری جنسیتی و حقوق زنان در جوامع اسلامی، عمیقاً نگران وخامت سریع وضعیت حقوق زنان و دختران هستیم؛ وضعیتی که مستقیماً امنیت، کرامت و آینده آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

طالبان بار دیگر مجموعه‌ای از سیاست‌های سرکوبگرانه را اعمال کرده‌اند که هدف آن حذف کامل زنان از تمامی جنبه‌های زندگی است. ممنوعیت آموزش، کار، و حتی دسترسی به مکان‌های عمومی بخشی از یک استراتژی گسترده برای حذف زنان از جامعه افغانستان محسوب می‌شود. زنان افغانستان، با تمام تنوعات و هویت‌های خود، اکنون تحت حکومتی قرار گرفته‌اند که به دنبال کنترل همه جنبه‌های زندگی آنان بوده و آنان را از حقوق اساسی، اختیار و استقلال‌شان محروم می‌سازد.

پس از به قدرت رسیدن طالبان، زنان و دختران افغانستان از تحصیل در مقاطع متوسطه و عالی محروم شده‌اند، از کار در اکثر مشاغل منع گردیده‌اند، و حضور آنان در فضاهای عمومی مانند پارک‌ها و ورزشگاه‌ها ممنوع شده است. طالبان، تحت پوشش اقتدار مذهبی، «وزارت امور زنان» را به «وزارت امر بالمعروف و نهی عن المنکر» تبدیل کرده‌اند. بر اساس قوانین این وزارت، گشت و گذار زنان بدون سرپرست مرد یا محرم به شدت محدود شده، دسترسی آنان به خدمات صحتی و آموزشی محدود گردیده، و حجاب اجباری سخت‌گیرانه‌ای بر آنان تحمیل شده است. این سیاست‌ها به طور سیستماتیک حضور زنان را از عرصه‌های عمومی حذف کرده و آسیب‌های اجتماعی، آموزشی و اقتصادی جبران‌ناپذیری به آنان وارد کرده است؛ آسیب‌هایی که به وضوح نشان‌دهنده‌ی یک نظام «آپارتاید جنسیتی» هستند. تمامی این اقدامات بخشی از یک برنامه حساب‌شده برای بازگرداندن دستاوردهای چند دهه‌ای زنان افغانستان و تضعیف نقش و جایگاه آنان در جامعه است.

شرکای ما، مدافعان حقوق بشر، و مدافعان حقوق زنان گزارش‌هایی تکان‌دهنده از وضعیت وحشتناک موجود ارائه می‌دهند و تأکید دارند که پیشگامان و فعالان حقوق زنان به طور هدفمند مورد حمله و سرکوب قرار می‌گیرند. حملات طالبان علیه افرادی که زمانی برای عدالت و برابری مبارزه می‌کردند، همچنان ادامه دارد. گزارش‌های مربوط به قتل‌های خودسرانه، ناپدیدسازی‌های اجباری، و خشونت سیستماتیک علیه زنان مدافع حقوق بشر، همگی عمق و شدت بحران کنونی در افغانستان را آشکار می‌سازند.

ما این اقدامات را که هم‌زمان قوانین بین‌المللی حقوق بشر و اصول اساسی اسلام را نقض می‌کنند، به شدت محکوم می‌کنیم. اسلام دینی است که بر برابری، عدالت و کرامت انسانی برای همه افراد، از جمله زنان و دختران، تأکید دارد. تفسیر نادرست و تحریف‌شده طالبان از آموزه‌های اسلامی برای توجیه ظلم و سرکوب، نقض آشکار ارزش‌های حقیقی اسلامی است.

آموزه‌های اسلامی به صراحت تأکید می‌کند که هیچ فردی حق تحمیل دین یا پایبندی به آن را بر دیگری ندارد، همان‌طور که در قرآن کریم (بقره: ۲۵۶) آمده است. این اصل بنیادین بر تنوع و غنای اندیشه فقهی اسلامی تأکید دارد، اندیشه‌ای که از تفسیرهای گوناگون سرچشمه گرفته و به شکل‌گیری مکاتب فقهی متعددی انجامیده است. زنان، همانند مردان، حق و مسئولیت دارند که در تفسیر شریعت نقش آفرینی کنند. استمرار این سنت گسترده و متنوع، به‌ویژه در جوامعی مانند افغانستان، برای حفظ اصول برابری و عدالت در جامعه از اهمیت حیاتی برخوردار است.

لازم است که صاحبان قدرت در افغانستان درک کاملی از تفکیک بین شریعت و فقه در سنت حقوق اسلامی داشته باشند. شریعت، به معنای «راه» یا «مسیر»، نشان‌دهنده هدایت الهی و حاوی ارزش‌ها و اصول جهانی است که بر تمامی مسلمانان قابل اجرا بوده و ماهیتی ابدی دارد. در مقابل، فقه به تلاش‌های انسانی برای تفسیر و تطبیق این اصول الهی در زمینه‌های خاص اجتماعی اشاره دارد. برخلاف شریعت، فقه با توجه به زمان و مکان تغییرپذیر است. این انعطاف‌پذیری باعث شده که فقه اسلامی در مواجهه با محیط‌های متغیر و واقعیت‌های متنوعی که مسلمانان امروز با آنها روبرو هستند، همچنان کاربردی و پویا باقی بماند. مفهوم «اختلاف» یا تفاوت نظر در سنت اسلامی به عنوان یک رحمت تلقی می‌شود. چنانکه از حضرت محمد (ص) روایت شده است: «اختلاف در امت من رحمت است.» این اصل زیربنای ظهور مذاهب گوناگون اسلامی پس از پیامبر (ص) بوده است. افغانستان باید این میراث ارزشمند حقوقی را پاس داشته و اطمینان حاصل کند که ساختارهای حقوقی این کشور نه تنها نیازهای پویای جامعه را برآورده می‌کنند، بلکه حافظ ارزش‌های بنیادین اسلامی نیز هستند.

دین اسلام حق تعلیم و تربیت را به عنوان یک اصل بنیادین به رسمیت شناخته و در طول تاریخ اسلام، زنان همواره در زمره علما و پیشگامان عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی بوده‌اند. تمامی این موارد گواه بر این است که هیچ مبنای دینی برای ممنوعیت تحصیل زنان وجود ندارد. قرآن کریم به طور آشکار همه مسلمانان را به یادگیری علم تشویق می‌کند، چنان‌که در سوره علق (آیات ۱-۵، ۹۶) آمده است: «بخوان به نام پروردگارت.» این دستور شامل زنان و مردان می‌شود. علاوه بر این، حضرت محمد (ص) نیز به صراحت و بدون در نظر گرفتن جنسیت فرموده‌اند: «طلب علم بر هر مسلمان فرض است.»

سیستم داشتن «محرم» که طالبان بر زنان تحمیل کرده‌اند، برخلاف آموزه‌های اسلامی است. اسلام هیچ‌گاه چنین محدودیت‌هایی برای گشت و گذار زنان تعیین نکرده است. در صدر اسلام، زنان بدون نیاز به همراهی مردان در زمینه‌های مختلف زندگی، از جمله تجارت و سفر، فعالیت داشتند و به جامعه خود خدمت می‌کردند. سیاست‌های طالبان با این اصل اسلامی که زن و مرد باید با عزت، خودمختار، و با مسئولیت در زندگی خویش عمل کنند، در تضاد است.

همچنین حذف زنان افغانستان از روندهای سیاسی برای ما غیرقابل قبول است. قرآن کریم در سوره نساء (4:58) به وضوح بیان کرده است که اقتدار باید به طور عادلانه و بدون هیچ‌گونه سوءاستفاده‌ای برای سرکوب و خشونت اعمال شود. حضرت محمد (ص) همچنین در خطبه حجة الوداع بر تساوی کرامت زن و مرد تأکید کرده و فرموده‌اند: «(با زنان به نیکی رفتار کنید، زیرا آنان شریک و یاور متعهد شما هستند.)» طالبان با محروم کردن زنان و دختران از آموزش و تربیت، کار و حق گشت و گذار، اساس احترام متقابل و مسئولیت‌پذیری را که در این آموزه‌ها نهفته است، نقض کرده‌اند.

حفاظت از افراد آسیب‌پذیر، از جمله بازماندگان خشونت، در دین اسلام اولویت دارد. حضرت محمد (ص) با تأکید بر جلوگیری از هرگونه اعمال نادرست، آن را به عنوان وظیفه‌ای بر عهده هر مسلمان قرار داده و از امت خود خواسته‌اند که با صدا، عمل، و یا حداقل با قلب‌شان به طور فعال در برابر شرّ مقاومت کنند.

با رعایت تمامی ارزش‌های کرامت انسانی، برابری، عدالت و بخشش که ریشه در «شریعت» دارند، اصول جهانی حقوق بشر، به ویژه برابری جنسیتی و عدالت، تحقق می‌یابند. شریعت به عنوان یک راهنمای اخلاقی، بشریت را به سوی عدالت و رفتار عادلانه هدایت کرده و چارچوبی برای حمایت از حقوق زنان و دختران ارائه می‌دهد.

زنان افغان قربانیان منفعل نیستند. آنها عوامل تغییر هستند که با وجود شرایط وخیم به مقاومت ادامه می‌دهند. ما شجاعت و پایداری آنها را ارج می‌نهمیم و متعهد می‌شویم که در این مبارزه برای عدالت و برابری در کنار آنها باشیم.

خواسته‌های ما روشن است:

۱- حمایت از زنان و دختران افغانستان: از جامعه جهانی، به ویژه دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، می‌خواهیم که اطمینان دهند که زنان و دختران افغانستان تنها نخواهند ماند. ضروری است که دولت‌های با نفوذ بر طالبان فشار وارد کنند تا دسترسی زنان به تعلیم، کار، و آزادی گشت و گذار بازگردانده شود و از حقوق آنان در برابر تهدیدهای طالبان حفاظت گردد.

۲- شمولیت در روندهای تصمیم‌گیری: هرگونه صلح یا معامله سیاسی بدون حضور فعال زنان افغانستان غیرمشروع است. زنان باید با حضور پررنگ در بطن هرگونه حل و فصل و روندهای تصمیم‌گیری برای بحران کنونی نقش داشته باشند.

۳- مسیر امن برای پناهندگی: کشورها باید مرزهایشان را برای آنانی که از خشونت و آزار و اذیت می‌گریزند باز نگه‌دارند. از جامعه جهانی می‌خواهیم که اطمینان دهند که پناهندگان افغانستان، به خصوص زنان و اطفال، از حفاظت، پناهندگی، و گزینه‌های اسکان مجدد برخوردار هستند.

۴- آزادی بیان برای خبرنگاران و متخصصان رسانه: ما از جامعه جهانی می‌خواهیم که به طور جدی از آزادی بیان در افغانستان حمایت و از آن دفاع کند. توجه ویژه باید به زنان روزنامه‌نگاری معطوف شود که مجبور به ترک حرفه خود شده‌اند و با شرایط خطرناک در تبعید، به ویژه در ایران و پاکستان با بلا تکلیفی حقوقی و بدون حمایت روبرو هستند. تضمین امنیت آن‌ها، تقویت صدایشان، و حفظ رسانه‌های مستقل افغانستان در داخل کشور و در تبعید، از اهمیت حیاتی برخوردار است.

۵- منابع حمایتی برای زنان مدافع حقوق بشر: از تمویل‌کنندگان و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهیم که حمایت‌شان را از برنامه‌های معطوف به حفاظت و توانمندی زنان افغانستان افزایش دهند.

۶- آپارتاید جنسیتی به عنوان جرمی بین‌المللی شناخته شود: از کشورها می‌خواهیم که آپارتاید جنسیتی را

تحت قوانین بین الملل جرم انگاری کنند تا با سرکوب زنان و دختران، به خصوص زنان و دختران افغانستان، مبارزه صورت گیرد.

۷- حمایت از پاسخگویی: از کشورها، به ویژه آنهایی که دارای سیستم‌های مذهبی، فرهنگی و یا حقوقی مشابه با افغانستان هستند، می‌خواهیم تا از ابتکار قانونی برای پاسخگویی افغانستان در مورد نقض قانون CEDAW در محکمه عدالت بین المللی حمایت کنند. حمایت فرامنطقه ای و گسترده از این ابتکار نشان دهنده همبستگی جهانی با زنان افغانستان است و می‌تواند منبع امید باشد.

ما خواستار اقدام فوری برای متوقف کردن روند عقب‌گرد حقوق زنان در افغانستان هستیم. از رهبران مذهبی و سیاسی، چه در داخل و چه در خارج از افغانستان، درخواست می‌کنیم که موضعی قاطع و شفاف در برابر آپارتاید جنسیتی طالبان اتخاذ کرده و از حقوق اساسی زنان و دختران افغان به طور جدی حمایت کنند.

در همبستگی،

امضا شده توسط:

رواداری

مساوه

سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان

شبکه پژوهشی و دادخواهی زنان و کودکان

شبکه مشارکت سیاسی زنان افغانستان

جنبش خودجوش زنان معترض افغانستان

مصور

Window for Hope Network

مجمع مدافعان حقوق بشر

همبستگی خواهران

انسان

حوریه مصدق، رییس شبکه تحلیل منازعات

وژمه فروغ، وکیل حقوق بشر

مرکز آزادی بیان - افغانستان